

اتصال در کلمات ترکیبی

دکتر حسین داودی

ملاحظه می‌شود که متن انگلیسی به تبعیت از نوع حروف الفبایش، که همگی «جدا» هستند، تماماً با اتصال از نوع دوم (نیم‌فاصله) حروف‌نگاری می‌شوند اما متن فارسی به تبعیت از حروف الفبایش، که بعضی «پیوسته» و بعضی «جدا» هستند، با دو نوع اتصال یاد شده حروف‌نگاری می‌شوند.

حال اگر سؤال شود که «زده» و «زردرو»، که اولی مشتق و دومی مرکب است، چگونه از کلمه ساده به کلمات مشتق و مرکب تبدیل شدند، پاسخی جز این ندارد که نیم‌فاصله‌های دیگر به کمک آمدند و بدون اینکه چسبیدن حروف صورت گیرد، کلمات ترکیبی ساخته شدند.

۲. نیم‌فاصله و تمام‌فاصله اصطلاحات جدیدی هستند که با رواج صنعت چاپ و ماشین تحریر و اخیراً رایانه‌ها رایج شده‌اند و به کار می‌روند (در این جمله هر دو نوع فاصله ملاحظه می‌شود: آب الفبای آبادانی است). طبیعی است که در کتاب سنتی و در دست‌نویست و خط تحریری فاصله بین حروف کلمه (نیم فاصله) با فاصله بین کلمات در جمله (تمام فاصله) مرزبندی مشخصی نداشته و امکان‌پذیر هم نبوده است. نگاه جدید این نوشتار نیز ناظر به متون چاپی و تایپی است؛ هم به این دلیل که پدیده‌ای نو است و نگاه جدید می‌طلبد و به لحاظ ماشینی و مهندسی بودن این صنعت از عهده این مرزبندی دقیق برمی‌آید، و هم به این دلیل که در دوره پیشتازی کتابت و دست‌نویست در ایجاد ارتباط وسیع و رسمی دیداری و نوشتاری، آن گونه که تا قبل از صنعت چاپ چشمگیر و انحصاری بود، سپری شده و به اصطلاح به جای «صف» در «ستاد» قرار گرفته است و حروف‌نگاری، دستور خط فارسی و ضوابط ویرایشی هر نوشته و مکتوبی را برای عرضه شدن به جامعه از صافی خود عبور می‌دهند.

ما معلمان همه پذیرفته‌ایم و به دانش‌آموزان خود در درس املا گفته‌ایم و می‌گوییم که «به» در «بنوش» و «به» در «بهداشت» را سرهم بنویسید، اما «می» در «می‌نوشم»، «ها» در «دانستی‌ها»، «تر» در «کوچک‌تر» و کلمه مرکبی چون «پاک‌سرشت» را جدا بنویسید. همه این توصیه‌ها در حالی است که به اتفاق پذیرفته‌ایم که اجزای کلمات مشتق (چه با وندهای صرفی و چه با وندهای اشتقاقی) و مرکب نباید از هم «جدا» شوند و اصولاً به کار بردن «جدانویسی» برای کلمات ترکیبی (مشتق، مرکب و مشتق - مرکب: برفک، برف‌روب، برف‌روبی) نقض غرض است و کلمات ترکیبی بدون «اتصال» موضوعیت ندارند.

نگاه جدید این است که، ضمن پایبندی به همین اصل (اتصال در کلمات ترکیبی)، از این پس اصطلاح «جدانویسی و انفصال» را به حفظ حریم کلمه در جمله اختصاص دهیم و دو اصطلاح «اتصال نوع اول: چسبیدن حروف» و «اتصال نوع دوم: رعایت نیم‌فاصله» را به جای «پیوسته‌نویسی و «جدانویسی» در کلمات ترکیبی به کار بریم. اینک توضیح بیشتر:

۱. چسبیدن حروف در یک کلمه نشانه اتصال است؛ چه در کلمات ساده و چه در کلمات ترکیبی، چنان که در این نمونه‌ها ملاحظه می‌شود: بنفش، بنفشه، بهشهر و نچسبیدن حروف آن‌ها در کلمه به معنی از بین رفتن اتصال است (برای مثال، بنفش را با بن‌فش مقایسه کنید).

داشتن فاصله حداقلی، یا به اصطلاح ماشین‌نویس‌ها و حروف‌نگاران رایانه‌ای، «نیم‌فاصله» نیز نشانه اتصال است؛ چه در کلمات ساده و چه در کلمات ترکیبی (زرد، زرده، زردرو). اگر این نیم‌فاصله دوبرابر (تمام فاصله) و بیشتر شود، اتصال کلمه از بین می‌رود (مقایسه کنید زرد را با ز ر د). در مقایسه الفبای فارسی (و عربی) با مثلاً الفبای انگلیسی،

طرح اتصال
نوع اول و دوم
به جای پیوسته
و جدانویسی
قدم مؤثری در
شفاف‌سازی
کلمات ترکیبی
است

تکه) نداشته باشد. برای مثال، کلمه «دارا» چهار حرفی و در عین حال چهار لختی است (چهار تکه) اما کلمه «غنی» سه حرفی ولی یک لختی و کلمه‌ی «مستضعف» پنج حرفی و باز هم یک لختی است. طبیعی است که هر چه تحت پرحروف‌تر باشد، نوشتنش مشکل‌تر است در کلمات ساده ناگزیر به رعایت آن‌ها نیز هستیم، اما در کلمات ترکیبی با استفاده از اتصال نوع دوم (رعایت نیم‌فاصله) می‌توانیم لخت‌های طولانی را کوتاه کنیم.

با مقایسه «جهانگشا، صاحب‌نظر، دانستنیها»، که به ترتیب دو، دو و سه لختی هستند. با «جهان‌گشا، صاحب‌نظر، دانستنی‌ها» که به ترتیب سه، سه و دو لختی شدند، سهولت در خواندن، نوشتن و حروف‌نگاری آن‌ها را فراهم کرده‌ایم.

در موارد محدودی - که در راهنمای مذکور مشخص شده‌اند - لخت‌های کوتاه سبب ترجیح اتصال اول (چسبیدن حروف) بر اتصال دوم (رعایت نیم‌فاصله) شده است. برای مثال، کلمات ترکیبی «رهره، دلربا، فرماندار، همدرد»، که به دلیل وجود حروف جدا لخت‌های دو حرفی و کوتاه دارند و عملاً نیم‌فاصله‌ها زیاد شده است، به همین صورت بر «رهره، دلربا، فرماندار، همدرد» ترجیح داده شده‌اند و به نحوی با شکل سنتی آن‌ها در متون قدیم نیز هماهنگی شده است.

با تأملی بر آنچه گذشت، چنین به نظر می‌رسد که طرح اتصال نوع اول و دوم به جای پیوسته و جدانویسی قدم مؤثری در شفاف‌سازی کلمات ترکیبی باشد؛ ضمن اینکه با دو املائی دانستن بخش عظیمی از کلمات ترکیبی و داشتن حق انتخاب، حساسیت‌های موافقان و مخالفان جدانویسی و سرهم‌نویسی و تبعات نگران‌کننده آن به نرمش و انعطاف و تحمل‌پذیری متقابلی تبدیل خواهد شد.

۳. نقش نیم‌فاصله در ساختن کلمات ترکیبی در محدوده حروف جدای الفبای فارسی (ا، د، ذ، ر، ز، ژ، و) چراغ سبز و امکان مناسبی است تا بخش عظیمی از کلمات ترکیبی در محدوده حروف پیوسته را «دو املائی» تلقی کنیم و با ترجیح دادن اتصال نوع دوم بر نوع اول آن‌ها تسهیل در آموزش را فراهم سازیم.

برای مثال، وقتی «بادگیر» را با اتصال نوع دوم (رعایت نیم‌فاصله) الزاماً کلمه مرکب می‌دانیم. کلمه مرکب «چشمگیر» را هم می‌توانیم با رعایت نیم‌فاصله به صورت «چشم‌گیر» بپذیریم؛ بدون اینکه اتصال آن نقض شود. در این صورت، این کلمه «دو املائی» می‌شود و طبیعی است که نوع دوم آن (چشم‌گیر) آموزشی‌تر و در رایانه‌ها امکان‌پذیرتر است. برای اطلاع یافتن از «دو املائی‌ها» ابتدا باید کلمات ترکیبی «یک املائی» مشخص شوند. فهرست بسته این کلمات در دستور خط فارسی، مصوبه فرهنگستان زبان و ادب فارسی مطرح شده و در کتاب راهنمای ویرایش مواد آموزشی سازمان پژوهش نیز، که در دست چاپ است، با تفصیل بیشتر آمده است و به زودی در اختیار کارکنان سازمان و سایر علاقه‌مندان قرار می‌گیرد.

کلمات ترکیبی یک املائی آن‌هایی هستند که یا با اتصال نوع اول (چسبیدن حروف) ظاهر می‌شوند (الزاماً یا اجماعاً) یا با اتصال نوع دوم (رعایت نیم‌فاصله)، آن هم الزاماً یا اجماعاً. برای مثال، برفک، هماهنگی، بهتر، نستعلیق و... یک املائی دسته اول‌اند و «بادبان، بی‌اجر، نمک کوب و...» یک املائی دسته دوم.

۴. یک یا چند لختی بودن یک کلمه ترکیبی اصل مهم دیگری است که ما را در آموزشی‌تر کردن آن کمک می‌کند.

توضیح این که دوگونه بودن الفبای فارسی (پیوسته و جدا) باعث شده است که یک کلمه همه‌جا به تعداد حروفش لخت